

تجربه آزمون تافل

فرید

تهیه شده برای گروه تافل هلدینگ پرگار

<http://pargar.group>



PargarWiki



PargarTOEFL

خلاصه وضعیت:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسنینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	سنتر	تعداد لغات تسک ۱ رایتینگ	تعداد لغات تسک ۲ رایتینگ
۱۵ مرداد ۱۴۰۱	۳۰	۳۰	۲۶	۳۰	۱۱۶	امیربهادر	حدود ۳۸۶	حدود ۵۱۶

تجربه سنتر:

من از امیربهادر کاملاً راضی بودم. اوایل بین خاتم و امیربهادر شک داشتم ولی خوب با توجه به اینکه امیربهادر امکان آزمون آزمایشی تو خودش داشت، گزینه بهتری واسه من بود. توی آزمون آزمایشی گفته بودن اگه ۱ ساعت و نیم زودتر اونجا باشید بهتره و میتونید زودتر شروع کنید. راس ۷ و نیم درو باز کردن (زودتر نرین خبری نیست) و من جزء اولین گروه بودم و تقریباً ساعت ۸ تا ۸ و ۱۰ شروع کردیم. کیفیت هدفون مطلوب بود. کیبورد هم لپ تاپی نبود ولی مشکلی نداشت و من باهاش اوکی بودم و راحت تایپ کردم. آب، پد الکلی، خودکار و مداد موجود بود و هیچ چیزی نمیشد ببریم. اگه خوراکی داشتین جدا از وسایلتون توی همون زیرزمین تحویل بدین تا وسط استراحت بتونین استفاده کنین ولی وسایلتون که تو کمده رو دیگه تا آخر آزمون همیشه (من دو بار سر این داستان تو ماک زخمی شدم چون نمیدونستم 😊). در ضمن تو زمان استراحت آبمیوه و کیک هم میدن. رفتار کارکنان هم خیلی خوب بود و استرس وارد نمی کردند. در کل من مشکل خاصی نداشتم.

پیشینه زبان:

من کلاً چه در زمینه تافل و چه جنرال کلاسی رو برای زبان شرکت نکردم. قبل از دانشگاه دانش من محدود به همون چیزایی بود که تو سیستم فوق العاده جذاب آموزش و پرورش یاد گرفته بودیم. سر کنکور هم زبانمو ۶۱.۲ زدم. دو سه ترم که از دانشگاه گذشت بعضی استادان رفرنس به کتابای انگلیسی میدادن یا اسلایداشون انگلیسی بود و خوب من نمیتونستم بخونمشون. واسه همین خودمو مجبور کردم به خوندن این چیزا. چون خیلی سخت بود برام یه دفترچه داشتم که هی لغاتو سرچ می کردم و توش می نوشتم. در نتیجه یه کمی محدوده‌ی واژگانم بالاتر رفت (بخشی لغات تخصصی رشته‌ی خودم و بخشی جنرال). در نتیجه یه کم وضعیت بهتر شد و خوندن چیزایی که به رشته‌م مربوط بود کمی ساده‌تر شد. یه واحد زبان عمومی هم پاس کردم که یه چیزایی یادگرفتم. تا اینکه رسیدم به تافل...

(اینم بگم که کلاً قبل تافل فیلم، آهنگ و ... انگلیسی خاصی ندیده بودم و گوش نکرده بودم. تنها چیزی که از قبل تافل یادمه یه حدود ۲۰ قسمت از پادکستای جف ماکولن رو سعی کردم بشنوم و لغت و اصطلاح ازش دریارم که با وجود آهسته بودن سخت بود واسم به عنوان تجربه اول. در مدت تافل هم یه کمی رفتم سمت چیزای متفرقه ولی نه در حدی که تأثیر زیادی بذاره)

مقدار ساعت و الگوی مطالعه هفتگی:

تافل من دو بخش داره:

۱) بخش مقدماتی (طول دوره: حدود ۴ ماه – شروع: ۲۱ ماه قبل از آزمون) : من تو این مدت شروع کردم به خوندن ۱۲۱۲ با انکی. به طور متوسط روزی ۱ تا ۲ ساعت وقت میذاشتم (جزئیاتشو میگم بعدا). اواخر این دوره وقتی ۱۲۱۲ تموم شد شروع کردم به چند تا از فصل های کتاب گرامر بتی آذر رو خوندن و ویدیو از تد تاک نگاه کردن. ولی چون تصمیم قاطعی نداشتم ادامه ندادم و داستان قطع شد (به جز مرور انکی)

۲) بخش اصلی (طول دوره: ۱۲ ماه – شروع یک سال قبل از آزمون): تقریبا از اواخر مرداد ماه ۱۴۰۰ بود که با یکی از دوستان تصمیم قطعی گرفتیم که بشینیم بخونیم. ساعت های مطالعه بسته به مقطع زمانی متفاوت بود و به مرور زمان بیشتر می شد. یه میانگین کلی بخوام بگم به نظرم شاید حدود ۴-۴.۵ ساعت در روز (اوایل نزدیک ۳ ساعت – بعدا ۵ ساعت – و دم آزمون حدود ۶.۵ ساعت). این نکته هم بگم که در این مدت درگیر کارای دانشگاه هم بودم (واحد و پایان نامه و ...) ولی سعی می کردم تا حد امکان قطع نشه داستان. فقط ۲ یا ۳ هفته بود که برای امتحانات کمش کردم. اگه سفری یا ددلاین خاصی پیش میومد هم ساعت مطالعه رو کمتر می کردم ولی تلاشم بر این بود که روندم قطع نشه.

تجربه شرکت در کلاس های زبان:

عرض کردم خدمتون خیر!

تجربه شرکت در آزمون های آزمایشی:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسنینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	سنتر
۱۴۰۱/۰۵/۱۰	۲۷	۲۷	۲۴	۲۷	۱۰۵	امیربهادر
۱۴۰۱/۰۵/۰۶	۲۸	۳۰	۲۴	۲۷	۱۰۹	تافل ۳
۱۴۰۱/۰۴/۱۳	۲۸	۲۸	۲۵	۲۴	۱۰۵	امیربهادر
۱۴۰۱/۰۳/۲۲	۳۰	۲۸	۲۴	۲۶	۱۰۸	تافل ۳
۱۴۰۱/۰۲/۲۲	۳۰	۳۰	۲۵	۲۷	۱۱۲	تافل ۳

<http://pargar.group>

اولین نکته ی مهم اینه که ماک ندیده خودتونین 😊

قبول دارم یه کم تعداد ماک ها زیاد شد ولی خوب به من کمک کرد سر آزمون اصلی استرسم کمتر بشه. به خصوص اون دوتایی که توی امیربهادر دادم باعث شد با فضاش بیشتر آشنا بشم. تافل ۳ یکی از کلاساش جداسازی نداشت بین داوطلبان و کلا هم کلاساش یه کم کوچیکن. ولی به نظرم نکته مثبتیه چون هدف آزمون ماک دقیقا همینه که یه کم شرایط سختو شبیه سازی کنه. مثلا تو یکی از ماکا یه بزرگواری شروع کرد به بلند بلند حرف زدن تو اسپیک. اون لحظه سخت بود واسم ولی بعدش به نظرم اتفاق مثبتی بود. در مجموع من از تافل ۳ و امیربهادر کاملا راضی بودم. اینم بگم که یکی از مزایای

ماک دادن اینه که ممکنه تصورتون نسبت به خودتون عوض شه. مثلا من قبل ماک اول فکر می کردم نمره اسپیکینگم یه چیزی حدود ۱۹-۲۰ باشه ولی خوب ۲۵ شدم و باعث شد روحیم بالاتر بره و جدی تر به زمان آزمون فکر کنم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لغت:

۱۲۱۲+۴۰۰

اول از همه اینو بگم که قبل از تافل دو بار تجربه‌ی ناموفق تو خوندن ۵۰۴ داشتم و هر دو بار تا وسطش رفتم و ول کردم. اگه برگردم به جاش این دو تا رو میخوندم. همون طور که گفتم توی بخش مقدماتی ۱۲۱۲ رو خوندم و اوایل بخش اصلی ۴۰۰ رو. از انکی استفاده می کردم و اکثر لغتا رو سخت می زدم که دائم واسم تکرار بشه (به طور متوسط روزی ۱۰-۱۲ لغت جدید میخوندم). تا همین امروز (نزدیک ۲۱ ماه بعد از شروع ۱۲۱۲) دوره کردن رو هر روز ادامه می دم. البته یه روزایی بود که درگیری داشتم و ممکن بود لغت جدید نخونم یا مثلا پیش میومد که یکی دو روز نمیرسیدم دوره کنم و بعدش یه جا دوره میکردم؛ ولی تا حد امکان تلاشم بر این بود که قطع نشه. بیشتر لغات رو توی دیکشنری سرچ میکردم (cambridge یا oxford یا abadis یا google translate) و جملات مختلفو میدیدم. روش خوبی بود به نظرم ولی خوب یه کم وقت گیره و اگه میخواین استفاده کنین مراقب باشین که به وسواس نیفتین. اینم بگم که بعد تی پی او ها تحلیلشون میکردم و لغاتی که نمیدونستم رو معنیشون رو درمیاوردم ولی یادداشت نمیکردم (چون لغات و موضوعا خیلی زیاد بودن و به نظرم اومد که اگه لغتی واقعا مهم باشه خودش تکرار میشه و یاد میگیرم). بعد هر ریدینگ هم میرفتم تو اون فایل لغات دسته بندی تی پی او و لغاتی که به اون موضوع مربوط بود رو میخوندم و مهم هاشو هایلایت می کردم و دفعه بعد مرور میکردم. البته ۱۴ تا موضوعشو بیشتر وقت نکردم و از یه جایی به بعد ولش کردم. آها اینم بگم که یه تعدادی لغت جدید هم از فایل کالوکیشن موضوعی آقا افشین یادگرفتم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای گرامر:

فصل های ۱ تا ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶ و ۲۰ از کتاب بتی آذر (فقط درسنامه های آبی رنگ) / وویس های الهه خانم به جز کاندیشنال (چون تو بتی خونده بودم) / Not only ... but also , the more... the more.. , inversion / از سایت های متفرقه / کاربردهای could have, should have, might have, may have, must have از سایتهای متفرقه / گرامر with + ing/pp/adj از کانال آقا افشین.

موقع تحلیل ریدینگ و لیسنینگ اگه گرامر ناآشنایی به چشمم میخورد و وقت داشتم میرفتم تو اینترنت دنبالش میگشتم و تا حد امکان سعی میکردم تحلیل کنم هر گرامر جدیدی که میبینم (حتی گاهی به غلط!!). اینم بگم اینطوری نبود که همه این گرامرهایی که نوشتم رو کامل بلد باشم. مثلا بعد خوندن بتی یه فصلاییش از ذهنم پرید. حالا اگه اون بخشا چیز پرکاربردی بود دوباره برمیگشتم بهش. وگرنه که هیچی.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای ریدینگ:

تی پی اوهای ۱ تا ۵ و ۲۵ تا ۶۵

۳ تا فاز داشت شدت مطالعه‌ی من برای ریدینگ. یه مقدار نامنظم بود ولی اگه بخوام روند کلیشو بگم این بود: (۱) ۵ هفته‌ی اول: هر یک روز درمیان فقط یک متن تکی با تحلیل (مجموعاً ۵ تی پی او) / (۲) ۱۲ هفته‌ی دوم: یک تسک کامل ریدینگ تو یک روز و فرداش تحلیلیش (در مجموع ۱۳ تی پی او با فواصل مختلف زمانی) (۳) تا زمان آزمون: یه ریدینگ و لیسنینگ کامل پشت سر هم تو یه روز و فرداش تحلیل ریدینگ (هفته‌ای یک بار و مجموعاً ۲۸ تی پی او) البته نزدیک‌تر که شد به امتحان تحلیل ریدینگ هم تو همون روز بود. دو سه هفته آخر هم که دیگه نمیرسیدم تحلیل کنم. قبل از شروع همه اینا ویدیوهای معرفی ای تی اس و مگوش رو دیدم. استراتژی من این بود که اول کل پاراگراف رو بدون توجه به سوال میخوندم و بعد میرفتم بهش جواب میدادم. البته استثنا هم داشت. مثلاً وقتی از این سوالات میومد که هایلایت میکرد و میگفت essential information رو بگید همونجا معمولاً متوقف میکردم و میرفتم جواب میدادم. سوالات لغت رو هم بیشتر اوقات همونجا جواب میدادم. واسه‌ی سوالاتی لغت معمولاً اولین چیزی که به ذهنم میرسید (بدون توجه به متن) رو میزدم و گاهی خیلی سریع یه چکش میکردم ببینم تو متن میخوره یا نه. اکثراً همون چیزی که به ذهنم رسیده بود درست بود. مگه این که دیگه واقعاً معنیشو نمیدونستم و سعی میکردم ببینم دقیقاً کدوم به متن میخوره.

اینو بگم که من چون قبل از شروع ریدینگ، ۱۲۱۲ رو تموم کرده بودم و یه مدتی هم دوره کرده بودم، شروع کار برام راحت تر بود. مثلاً تو همون فاز اول ریدینگ، تو هر متن به طور متوسط ۲ یا ۳ تا غلط داشتم. یه نکته دیگه هم این که برای یه مدتی اون موضوعی که ریدینگشو زده بودم میرفتم توی فایل لغات موضوعی تی پی او پیدا میکردم و لغاتشو میخوندم و مهماشو هایلایت می‌کردم. بعد یه مدتی یه سریاش هی تکرار میشد و تو ذهنم میموند (فقط ۱۴ تا موضوع رو خوند و ول کردم بقیشو)

سر جلسه هم ریدینگ من لانگ و به نظرم در حد تی پی او ها بود. حتی شاید ساده‌تر چون سخت‌تر از اونم دیده بودم تو تی پی او ها یا سر ماک. مثلاً من گاهی اوقات شاید ۱۰ تا سوالو یادداشت می‌کردم که اگه رسیدم باز برگردم. ولی سر امتحان در حد ۳ یا ۴ تا بیشتر ننوشتم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لیسنینگ:

تی پی اوهای ۱ تا ۱۴ و ۲۵ تا ۶۵

مثل بخش ریدینگ شدت لیسنینگ هم حدوداً سه فاز کلی داشت: (۱) ۵ هفته‌ی اول: یک روز درمیان نصف یک تسک لیسنینگ یعنی یک کانورسیشن و دو تا لکچر با تحلیل (جمعاً ۸ تا تی پی او) (۲) ۱۲ هفته‌ی دوم: یک تسک کامل لیسنینگ

و فرداش تحلیلش (جمعا ۱۳ تی پی او با فواصل زمانی مختلف) ۳ تا زمان آزمون: یه ریدینگ و لیسنینگ کامل پشت سر هم تو یه روز و پس فرداش تحلیل لیسنینگ (هفته‌ای یه بار و مجموعا ۲۸ تی پی او)

یه تعدادی رو هم پراکنده می‌زد و شدو می‌کردم و ۲ یا ۳ هفته آخر هم دیگه به تحلیل نمی‌رسیدم.

همون طور که گفتم قبل از تافل لیسنینگ من کلا به ۲۰ قسمت پادکست جف ماکولن و چند قسمت تد تاک خلاصه می‌شد. در نتیجه خیلی بیراه نیست که بگم تافل تقریبا اولین برخورد من با لیسنینگ به طور جدی بود. مثل ریدینگ اول با ویدیوهای ای تی اس و مگوش یه آشنایی کلی با داستان پیدا کردم. بعد از اون طبق برنامه بالا شروع کردم به تی پی او زدن. توی ۱۷ هفته‌ی اول هر لیسنینگ رو دو بار می‌زد. یعنی یه نصف تسک یا یه تسک کاملو تا آخر می‌زد و بدون نگاه کردن به نمرم (البته سیوش می‌کردم) یه بار دیگه از اول می‌زد. از هفته ۱۸ به بعد دیگه یه بار بیشتر نمی‌رسیدم. اما خوب همیشه واسه تحلیل می‌ذاشتم رو سرعت ۱.۲۵ و از روی متن دنبال می‌کردم و بعدش یه بار دیگه خودم متنو می‌خوندم و چیزایی که بلد نبودمو سرچ می‌کردم. راستی یه نکته هم یادم رفت اینکه من اوایل که شروع کردم در مجموع یه تی پی او با فرمت قدیم، به طور متوسط حدود ۸ تا غلط می‌زد (کم و زیاد دیگه)

اما نوت برداری: من اوایل نوت برمیداشتم و تقریبا بلد هم نبودم که از کجا باید بردارم و کجا نباید، یعنی فله ای می‌نوشتیم. مشکلی که با این روش داشتم این بود که با توجه به نت هام میتونستم یه تعداد قابل قبولی از سوالات رو درست جواب بدم ولی درک خوبی از روند متن نداشتم (حالا هم به دلیل ضعف لیسنینگ هم نوت برداری). به توصیه پارترم روش نوت برداشتنو امتحان کردم. توی چند تا تی پی او اول تغییر خاصی تو نمرم به وجود نیومد ولی خوب حس می‌کردم راحت تر میتونم روند رو دنبال کنم. در نتیجه، کلا نت برداشتنو انتخاب کردم. این که میگم نت برداشتن یعنی صفر مطلق. چون این که بخوام بین مطالب مهم و غیر مهم تشخیص بدم و یادداشت کنم خودش یه باری داشت برام. واسه همین کلا مداد رو می‌زد و تحت هیچ شرایطی قرار نبود چیزی رو بنویسم حتی اگه حس می‌کردم اون چیزو قطعا فراموش خواهم کرد (یعنی مثل یک قانون). این روشو تا آخر و سر ماک‌ها و امتحان اصلی هم حفظ کردم و اوکی بودم. قطعا ویژگی‌های هر شخصی متفاوتی ولی توصیه‌ی من اینه که اگه با روش الانتون مشکل دارید و وقت دارید، برای چند تا تی پی او (نه فقط یکی) نت برداشتنو امتحان کنید. ضرر نداره نهایتش مناسب خصوصیات شما نیست و برمیگردید رو روش قبلی.

سر امتحان هم لیسنینگ در حد تی پی او ها بود اما نه اون آسوناش. نه این که فضایی باشه، متن ساده داشت متنی هم داشت که مثل خیلی از تی پی اوها یه کمی به چالشش بکشه. من تو خونه هم خیلی پیش می‌ومدم که حس می‌کردم چندین تا غلط دارم ولی نمرم خوب می‌شد. سر امتحان هم فکر کنم حداقل یه ۵ یا ۶ تایی بود که با شک زدم. تو تایم برک هم به خودم گفتم یا مثل همیشه میشه که تصورم اشتباهه یا ته تهش میشم حدود ۲۳ یا ۲۴. که نمره‌ی عالی هست. واسه همین بیخیالش شدم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای اسپیکینگ:

فایل آقای اعلایی (۲۶۱ موضوع - فقط موضوعات فرمت جدید) و تی پی او (۷۱ عدد)

دیگه مشخصه که با پیشینه‌ای که خدمتون عرض کردم تا قبل از تافل به فکر اسپیکینگ هم نیفتاده بودم چه برسه به اینکه تمرین کرده باشم. در نتیجه تا ۱۰ هفته‌ی اول سراغش نرفتم و لیسینینگ و ریدینگ کار میکردم. از هفته دهم با ویدیوهای ای ات اس یه آشنایی با کلیت تسک‌ها پیدا کردم. به عنوان اولین گام رفتم سراغ تسک ایندپندنت و با خوندن مطالب تافل ریسورس یه تمپلیتی نوشتم و چند تا نمونه گوش دادم. و بخش سخت کار آغاز شد: ضبط کردن. مشخص بود که خیلی من داشتم و لغات و گرامر با ذهنم نمیرسید و اوضاع خیلی خیط بود. ولی چاره‌ای جز تمرین نبود. هر سوالو چندین بار ضبط میکردم تا یه چیز معقولی از توش دربیاد. در کنارش شروع کردم به شدو کردن لیسینینگ‌های تی پی او. تقریباً سه ماه کارم در رابطه با اسپیک همین بود. روزای معمولی ضبط یه سوال (یا بعضی تسک یک تی پی اوها یا فایل آبی) به علاوه شدوینگ و دو روز در هفته هم با تعداد و ساعت بیشتر همین کارو میکردم (مختص اسپیک). استراتژی هم به این صورت بود که چندین بار ضبط می‌کردم و چیزایی که شک داشتم رو سرچ میکردم و هم‌چنین با گرامرلی چک میکردم. لازم به ذکره که یه دفترچه هم داشتم که واسه هر سوال ۳ تا جمله‌ی مهمشو یادداشت میکردم. بعد از این ۳ ماه متوجه شدم خیلی این فراینده داره الکی طول می‌کشه. یعنی این چندین بار ضبط کردن و سرچ و اینا شاید واسه هر سوال ۴۵ دقیقه طول میکشید. و حس کردم این چند بار ضبط کردن دیگه واسم فایده‌ای نداره چون رسماً حالت حفظی میشه. در نتیجه با پارتنرم قرار گذاشتیم هر روز سه تا سوالو ضبط کنیم و واسش حداکثر تایم تعیین کنیم. اوایل مثلاً کل این سه تا تو ۶۰ دقیقه. و به مرور زمان هی کمتر و کمتر میشد تا اواخر به ۳ دقیقه واسه هر سوال هم رسیده بود.

حدوداً ۴ ماه به آزمون مونده بود که دیگه باید ۳ تسک دیگه رو شروع میکردم. به پیشنهاد پارتنرم به طور انتحاری هر سه تا رو همزمان شروع کردیم. تمپلیت و اینا رو از تافل ریسورس خوندم و شروع کردم به ضبط کردن. اوایل هر تسکو جدا چندین بار ضبط میکردم و متن و لیسینینگش رو تحلیل میکردم که حدود دو ساعت طول میکشید. بعد از ۷ یا ۸ تا تی پی او یه ماک دادم که بر خلاف تصورم که فکر میکردم ۱۹-۲۰ میشم شدم ۲۵ و روحیم بالا رفت. توی ماک فهمیدم یه مهارت مهم اینه که ۴ تا تسکو پشت هم بتونی هندل کنی. واسه همین شروع کردم به پشت هم زدن یه تسک کامل (۲ بار) و بعدش تحلیل. کلاً تا قبل از دو یا سه هفته‌ی آخر روند تدریجی بود و حدود دو تا ۴ تا تی پی او در هفته میزد. این نکته هم بگم که من تی پی اوهای بعد از ۴۰ رو کامل با تحلیل میزد و قبل از ۴۰ رو بدون تحلیل و صرفاً با دو بار ضبط کردن (واسه دست گرمی و بیشتر بودن تو فضای اسپیکینگ). در رابطه با نت برداری تقریباً واسه یه اسپیکینگ در حد یه صفحه کاغذ معمولی مینوشتیم. کاغذ رو ۴ قسمت میکردم هر تسک رو تو یه قسمت یا یه کم بیشتر مینوشتیم.

توی ۱۰ روز آخر تلاشم این بود که هر روز یه دونه از ۴۰ به بعد و دو تا از ۴۰ به قبل رو بنرم (که بعضی روزا نمیشد!). در ضمن تقریباً یک و نیم ماه مونده به آزمون هم با نويز تمرین کردم. هم‌چنین حدود ۳ هفته آخر هر روز ۷ یا ۸ تا از فایل اعلایی رو برین استورم میکردم. اوایل هم شاید منفی و مثبت (سعی میکردم هر سایده ماکزیمم دیگه دو بار بشه) و چند روز آخر هم فقط شاید مثبت یا منفی تا قدرت تصمیم‌گیریم هم بالا بره. راستی یه بار هم بعد ماک دومم تصحیح اسپیک تافل ۳ (وویس) رو گرفتم. در حد دو سه نکته مثبت داشت واسم.

در رابطه با آزمون هم واقعا چیزی متفاوت از تی پی او ها نبود. یعنی به لحاظ سوال و ریدینگ و لیسنینگ ها چیز عجیبی من ندیدم که بگم این جدیده. همون سبک بود کاملا. به خاطر اطرافیان هم حواسم پرت نشد (هم چون یکی در میون بودیم و کلا جون دلی نبود که داد بزنه و هم به خاطر تمرین با نویز)

راستی یادم رفت بگم من کلا از جایی به بعد به این نتیجه رسیدم در توانم نیست مثال بگم واسه تسک ۱. اوایل بعد چندین تا ضبط میشد جاش بدم تو ۴۵ ثانیه ولی فایده نداشت. واسه همین دیگه به جز چند تا سوال انگشت شمار کلا مثال نمیگفتم. سر امتحانم نگفتم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای رایتینگ:

تی پی اوهای ۱ تا ۱۴ فقط تسک دو / تی پی اوهای ۴۰ تا ۷۱ هر دو تسک /

تعارف که نداریم. قبل از تافل سعی نمیکردم حتی یه جمله انگلیسی تو تلگرام بنویسم. هم به دلیل ضعف گرامری و هم کمبود واژگان و کالوکیشن. ۵ ماه و نیم به آزمون مونده بود که رایتینگ رو شروع کردم. با تمرین تسکهای دیگه قبل از شروع این تایم بیس زیانم بهتر شده بود و باعث شد اصطکاک ایستایی خیلی زیاد نباشه. اول با تسک دوم شروع کردم. واسه آشنایی ویدیوهای ای تی اس، تافل ریسورس و بخش رایتینگ کتاب دلتا (اجمالی) رو بررسی کردم. در این حین تجربههای بچهها رو هم در رابطه با رایت میخواندم. هم چنین بعضی از گرامرهای رو که تو بخش گرامر بهشون پرداختم اینجا مطالعه کردم. در ادامه وویسهای خانم الهه رو گوش کردم و هم چنین نحوه نگارش مقدمه و بسط بادی رو از کانال آقا افشین مطالعه کردم. تا اینجا دیگه اطلاعات اولیه برای نگارش تسک دو رو بدست آورده بودم و زمان شروع بود. توی بازه تقریباً ۳ تا ۴ هفته اون ۱۴ تا تی پی او تسک دو رو انجام دادم. لازم به ذکره که من همه رایتینگهامو بعدش با گرامرلی تصحیح می کردم و هم چنین بررسی میکردم که کجا چی میخواستم بگم و نتونستم و سعی میکردم اصلاح کنم.

حدود ۴ ماه مونده بود به آزمون که تسک اول رو هم اضافه کردم و با تافل ریسورس یه تمپلتی درآوردم. حدود ۴ هفته به صورت پراکنده و محدود تسک ۱ و ۲ رو جدا جدا کار میکردم و تحلیل میکردم. حدود تایم ماک اولم بود که دیگه شروع کردم به زدن تی پی اوهای حدود ۴۰ به بعد به صورت دو تسک پشت هم. تقریباً هفته ای دو الی سه تی پی او کار میکردم. حدوداً دیگه یه ماه مونده بود به آزمون تمرینم به این صورت بود که یه اسپیک و رایتو با هم پشت سر هم میزدم تا بتونم اون شرایط آزمون رو تمرین کنم (در ضمن صدای نویز تا آخر لیسنینگ مربوط به رایتینگ فعال بود). حدوداً ۱۰ روز آخر دیگه این حرکتو هر روز انجام میدادم (یه اسپیک و تی پی او با هم). اینو بگم که به جز سه چهار تا استثنا، هر رایتینگی که زدم رو تحلیل کردم. مثلاً واسه ی تسک اول متن ریدینگ و لیسنینگ رو بررسی میکردم و میدیدم که چه چیزایی جا انداختم. بعدش هم با گرامرلی تحلیل کلی میکردم.

اما برای کالوکیشن: دو تا منبع داشتم. یکی فایل کالوکیشن موضوعی آقا افشین بود که تقریباً ۳ بار خوندمش و هایلایت میکردم مهماشو و یه سری نکات شخصی اضافه میکردم. منبع دوم هم کالوکیشنهای آقا بهزاد بود که هر روز صبح تو گروه میذاشتم. اونا رو هم حدود دو یا سه بار دوره کردم. اینم بگم که من اواخر بعد هر رایتی میرفتم نگاه میکردم کجا هی دارم

یه فعلو یا اسمو یا ... (که معمولاً به موضوع اصلی مربوط بود) تکرار میکنم. بعد سرچ میکردم و ۴ تا مترادف واسش درمیاوردم تا دفعه بعد یه چیزو چند بار تکرار نکنم.

اما تصحیح: دو بار تصحیح داشتم. اولی تصحیح وویس تافل ۳ رو گرفتم که بیشتر راجع به ایده‌هام و ساختار کلی یه نکاتی رو گفتن. یه تسک کامل هم با آقا بهزاد داشتم که خط به خط رایتمو تصحیح کردن. بعد این تصحیح یه تغییرات کوچیکی رو تو تمپلیت تسک اولم ایجاد کردم و همچنین سعی کردم کمی از ریدینگ بیشتر بگم (چون قبلاً خیلی کم بود). همچنین یه نگاه اجمالی به فایل‌های آموزشیشون انداختم و یه نکاتی رو روی تسک دو اعمال کردم.

متأسفانه من در ۹۰ درصد مواقع نمیرسیدم ریواز کنم فایل رو و بعدش میدیدم که غلطای املایی زیاد دارم (البته نگارشی هم بود). این مسئله تا امتحان هم ادامه پیدا کرد و نشد ریوایز کنم سر جلسه. در نتیجه خیلی نکته اخلاقی خاصی در این زمینه ندارم.

یه نکته رو هم باید بگم. من خیلی کم پیش میومدم برای هر دو تا دلیل تسک دو، مثال بگم. معمولاً یکیشو مثال میگفتم و یکی رو نمیرسیدم. اون‌ای که مثال بود رو مثل آقا افشین با شرطی و اینورژن تموم میکردم (نوع دو یا سه یا میکس). اون یکی رو هم اواخر فکچوال مینوشتم. فایل‌های آقا بهزادو که مطالعه کردم متوجه شدم من ساختار کلی رو رعایت می‌کردم از قبل اما بعضی جاها پس و پیش میشد یا نتیجه‌گیری نمیکردم. واسه همین خودمو ملزم کردم که دقیق‌تر بنویسم (مثلاً حتماً تو جمله چهارم اون نکته اصلی رو بگم و تیر نهایی رو بزخم یا حتماً سعی کنم اگه وقت کردم نتیجه‌گیری کنم توی اون‌ای که مثال نداشت). سر امتحانم همین شد. یعنی یکی فکچوال و یکی مثال شخصی. اینم بگم که من معمولاً یه ساختار کلی از ۴ تا پاراگراف مینوشتم و بعد بادی‌هامو تکمیل میکردم.

سر امتحان هم تسک‌ها مثل تی پی او ها بودن. اینو بگم که فکر کنم نشد از **the more** و **not only but also** هم استفاده کنم. واسه همین فکر نکنین حالا حتماً باید باشن اینا. راستی این که دیدین من تعداد لغاتم بالا بود از اول اینجوری نبود. تسک دو اوایل بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ تا بود. تسک یک هم بین حدوداً ۲۷۰ تا ۳۰۰ (البته چند تا کمتر هم تو هر دو داشتم). ولی از یه جایی به بعد یه روند افزایشی پیدا کرد و بالاتر رفت. هر چند که همونطور که میدونید به تعداد لغت نیست. و خیلیا با تعداد لغات خیلی کمتر از من، نمرات خیلی عالی گرفتن.

سایر موارد:

- نمرات ریدینگ و لیسنینگ یه تعدادی از تی پی اوها رو براتون به پیوست ارسال کردم.
- اولین رایتینگ تسک دواپی که زدم و همچنین چند تایی که تو روزای آخر زدم ضمیمه کردم. این چندتای آخر هر کدوم ۴ تا متن داره. دو تا که به صورت آزمونی زدم و دو تا که بعدش اصلاح کردم.
- اولین اسپیکمو پیدا نکردم. یکی از همون اوایل میفرستم (حدود هفته‌ی اول) و همچنین آخرین تسک کاملو.

- این که مدت زمان تافل من طولانی شد چند تا دلیل داشت. اصلی ترینش پیشینه زبان ضعیف بود. اما علل دیگه‌ای هم مثل تصمیم‌های نادرست، کمال طلبی، درگیری دانشگاه و ... بود. و اگه اینا نبود یه مقداری زودتر هم میشد امتحان بدم.

- داشتن یه پارتنر زبان هم سطح خیلی میتونه کمکتون کنه (چه به لحاظ انگیزشی و چه آموزشی).

- فکر نکنین کسی که یه تسکو ۳۰ زده لزوماً یه مهارت فوق‌العاده عجیبی تو اون داشته. مثلاً من لیسینینگ رو ۳۰ زدم ولی همین الان که دارم تجربه مینویسم وقتی یه فیلم میبینم یه بخش زیادی از مکالمه‌هاشونو متوجه نمیشم و باید هنوز روش کار کنم.

- هدف گذاری من اصلاً این نمره نبود. روزی که تافل رو شروع کردم مثل خیلی‌ها بالای ۱۰۰ واسم مطلوب بود. وقتی جلوتر اومدم با دیدن اون چند تا پیام معروف آقا حسین درباره‌ی نمره و همچنین چک کردن مینی‌م دانشگاه‌های مورد نظرم تو رشته‌ی خودم، دیدگاهم تغییر کرد. من با بالای ۹۳ یا ۹۴ اوکی بودم (با اسپیک و رایت بالای حدود ۲۱ و ۲۲) چون خیلی نمره خوبی بود و اکثر مینی‌م‌ها رو پاس میکرد.

جمع‌بندی:

واقعیتش اینه که تجربه‌ی من شاید خیلی نتونه کمکتون کنه چون خیلی تجربه‌های مفیدتر هستش. ولی من دوست داشتم بنویسم تا چند کلامی با کسانی که سطح زبانشون مثل شرایط سال قبل خودم خوب نیست و آموزش خاصی هم ندیدن صحبت کنم. دوستان من هم اون موقع دچار بی‌انگیزگی بودم و همینطور می‌گشتم ببینم یه تجربه‌ای پیدا میشه که سطحش ضعیف باشه یا نه. نمی‌خواهم الکی حرفای ژلوفنی بزنم. بله ماها چون پیشینمون ضعیف‌تر بوده باید زمان بیشتری رو به مطالعه اختصاص بدیم (حالا هر کی بسته به خودش). اما مطمئن باشید همه‌ی شما قطعاً توانایی این که یه نمره‌ی خوب تو تافل بگیرین رو دارین. فقط لطفاً شروع کنید خیلی زود راه خودش رو به شما نشون میده. از صمیم قلبم براتون بهترین اتفاقا رو تو این مسیر آرزو میکنم.

تشکر:

-اول از همه از مهدی (پارتنرم) تشکر میکنم. اگه اون نبود شاید هیچ وقت این راه طولانی رو نمی‌ومدم.

-ممنون از خانوادم که تو این دوران تحملم کردن.

- مرسی از الهه خانم به خاطر وویس‌های عالیشان. جزء معدود فایل‌های آموزشی تو کل تحصیلم بود که با لذت گوش میدادم.

- ممنون از آقا افشین به خاطر کانال فوق‌العادشون. من تک تک پستاشونو دنبال میکردم و خیلی چیزا واسه رایت ازشون یاد گرفتم.

-مرسی از آقا بهزاد به خاطر فایل‌های آموزشی‌شون و وقتی که میدارن و هر روز واسه بچه‌ها این کالوکیشن‌ها رو آماده میکنن. من تا همین امروز دنبال میکنم پیاماشونو.

-ممنون از فریناز خانم، سیب زمینی، آقا حسین (با صدای گرم و دوست‌داشتنی‌شون) و ... که انقدر زحمت میکشن و پیامای دوستانو جواب میدن و ما هم از پاسخ‌هاشون کلی چیز یاد میگیریم.

- مرسی از تست هلپر



<http://pargar.group>